



## تجربه خونین آمریکا در عراق و چالش‌های پیش رو

ترجمه: سپیلا زمانی

منبع: واشنگتن پست آنلاین - اوت ۲۰۰۷

نتیجه‌ی مذاکرات آمریکا با همسایگان عراق بر سر مساله امنیت این کشور باز گردد.

در شرایطی که بیش از ۱۵ هزار نظامی آمریکایی از اوایل ماه مارس تاکنون به عراق اعزام شده‌اند، پذیرش این مساله که با اعزام مابقی این نیروها انتظار گشایشی در جهت بهبود اوضاع متشنج و نابسامان امنیتی عراق داشته باشیم، کمی دشوار به نظر می‌رسد. از این رو، به اذعان بسیاری از دست اندرکاران و سیاستمداران کاخ سفید، تنها حضور همسایگان و کشورهای منطقه مانند سوریه و ایران در گفت‌وگوهای منطقه‌ای، می‌تواند راهی را برای کنترل عراق بگشاید.

روند انتقاد شدید از بحران عراق، گستره وسیعی از روسای جمهوری پیشین آمریکا از جیمی کارتر تا جرج بوش پدر را در بر گرفته است که این امر، خود نشان‌دهنده جدایی چشمگیر و ریشه‌ای سیاستمداران گذشته از سیاست‌های دولت بوش و خسته شدن همه - حتی روسای جمهوری گذشته - از اتخاذ تدابیر نادرست و ناکارآمد واشنگتن در ساماندهی به اوضاع نابسامان عراق است.

به تعبیر سیاستمداران و کارشناسان سیاسی، شاید این تنها شمه‌ای از تنش‌ها و چالش‌های پیش روی بوش در ماه‌های آتی و در آستانه به پایان رسیدن زمان دکترین امنیتی بغداد باشد؛ چرا که در این برهه از زمان، خود بوش نیز تلویحاً بارها به افزایش بار مشکلات امنیتی

در داخل کشور، در قالب طرح اعزام ۲۱ هزار و ۵۰۰ نظامی جدید به عراق، توانسته باشد از روند رو به رشد خشونت‌ها در عراق بکاهد.

اکنون به نظر می‌رسد در صفحه شطرنج عراق، هدایت اصلی با مهره‌های سیاه است و مهره‌های سفید تنها با تلاشی اندک در صدد خالی نکردن میدان بازی هستند. در واقع، تمامی مردم آمریکا با طولانی شدن اقامت سربازان آمریکایی در عراق، در انتظار شنیدن گزارشی هستند که قرار است فرمانده نظامیان آمریکایی در عراق در آخر تابستان در باره تاثیر این طرح ارایه کند. البته می‌توان پیش‌بینی کرد که این گزارش چندان با خواسته‌های مورد نظر سیاست حاکم بر کاخ سفید تطابق ندارد، اما بوش امیدوار است که به تعبیر خودش، پس از گذشت تابستان "با عراق دیگری روبه‌رو شویم. هر چند که تحقق این امر نیازمند حفظ کنترل بغداد است."

بوش اکنون به وضوح دریافته است که هیچ کدام از دکترین‌های امنیتی وی در عراق جواب نداده است. شاید این امیدواری رییس جمهوری آمریکا که بسیاری از کارشناسان مسایل استراتژیک خاورمیانه، آن را آخرین فرصت وی برای دفاع از کارنامه‌ی نه چندان قابل دفاع جنگ عراق پیش از آغاز جدی رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری می‌دانند، بیش از این که به افزایش شمار نظامیان آمریکایی در خاک عراق وابسته باشد، به

عراق که زمانی یکی از کشورهای قدرتمند منطقه خاورمیانه به شمار می‌رفت، حالا به کشوری بلازده تبدیل شده که صنایع بنیادین و زیربنایی آن در حال نابودی است. وقوع سه جنگ، چهار سال اشغال توسط آمریکا و ۱۳ سال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، باعث فلج شدن بنیان‌های اقتصادی این کشور شده است.

اکنون تنها منبع تولید ثروت واقعی در این کشور، در حال حاضر همانند اکثر کشورهای خاورمیانه، نفت است که آن هم بر اثر قوانین جدید در این کشور، سرنوشت نفت عراق را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. این در حالی است که جرج دبلیو بوش، رییس جمهوری آمریکا نیز به رغم میل باطنی خود و سیاست بین‌المللی‌اش مجبور شد در مصاحبه‌های اخیر خود بر این نکته اذعان کند که تابستان حساس‌ترین زمان برای پیشبرد استراتژی جدید در عراق خواهد بود و نظامیان آمریکایی تابستان سختی را در عراق تجربه خواهند کرد.

بوش که پس از افزایش شمار تلفات در عراق برای ارایه گزارش در خصوص تاثیر طرح افزایش نیرو در عراق، در قالب دکترین جدید امنیتی بغداد، از سوی دموکرات‌ها و حتی طیف خاصی از جمهوری خواهان تحت فشار شدید قرار دارد، به ناچار امیدوار است که اعزام آخرین گروه از نظامیان آمریکایی به رغم مخالفت‌های شدید

در عراق اشاره کرده است.

این همه در حالی است که گزارش ماه مه سال ۲۰۰۵ سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا (سیا)، ثابت کرد که عراق نیز همانند افغانستان تحت اشغال شوروی در دو دهه پیش و بوسنی در دهه ۱۹۹۰، به مکان پرچاذه‌ای برای مبارزان مسلمان تبدیل شده است. سیاه‌په این نتیجه رسید که عراق ممکن است نشان دهد می‌تواند حتی از افغانستان در اوایل حکومت القاعده، مرکز آموزشگاهی بهتری برای این مبارزان باشد.

دو سال پس از حمله به عراق، یک گزارش در سطح بالای دولتی در خصوص "جنگ با ترور" نتایج مشابهی را در این زمینه مورد تأیید قرار داد. این گزارش با تمرکز بر "چگونگی مقابله با پیدایش نسل جدیدی از تروریست‌ها که طی دو سال گذشته در عراق آموزش دیده‌اند"، به این نکته اشاره می‌کند که مقامات عالی رتبه دولتی با روند رو به رشدی به دنبال پیگیری این مساله هستند که هزاران "تروریست" آموزش دیده در عراق پس از حمله نظامی آمریکا به این کشور، چگونه و در چه کشورهایی سازماندهی شده‌اند.

یک مقام ارشد سابق دولت بوش می‌گوید که این مساله بخش جدیدی از یک معادله جدید در معادلات سیاسی منطقه است: اگر شما نمی‌دانید که چه کسانی در عراق هستند، پس چگونه می‌توانید آنان را در استانبول یا لندن پیدا کنید.!!

شکی نیست که حمله به عراق، جاذبه عمومی گروه‌های افراطی ضد دموکراتیک‌ی مانند القاعده و دیگر گروه‌های از این دست را در سراسر جهان بیشتر کرده است. در خصوص نمونه‌ای از این دست، می‌توان به اندونزی با بیشترین جمعیت مسلمان در جهان اشاره کرد که در سال ۲۰۰۰، بر اساس آمار ارایه شده، ۷۵ درصد

از مردم اندونزی با نظر مساعدی به آمریکایی‌ها می‌نگریستند. این تعداد در سال ۲۰۰۲، به ۶۱ درصد و پس از تهاجم به عراق به ۱۵ درصد کاهش یافت. این همه، برای تبدیل شدن به محلی برای آموزش افرادی با روحیه ضد آمریکایی کفایت می‌کند. این در حالی است که بیش از ۸۰ درصد مردم اندونزی از احتمال حمله‌ی آمریکا به کشورشان اظهار ترس و نگرانی کرده‌اند.

این آمار در واقع، نشان‌دهنده این واقعیت است که آمریکا با اتخاذ این روش‌ها در سیاست بین‌المللی خویش، تا چه حد ناکارآمدی دولت خویش را به جهانیان و نیز ملت خویش نشان داده است.

این در حالی است که چندی پیش، وزارت خارجه آمریکا با انتشار گزارشی، سال ۲۰۰۶ را سال افزایش تشدید حملات تروریستی در افغانستان و عراق اعلام کرد. بنابراین گزارش، که "نیویورک تایمز" آن را منتشر کرد، حملات تروریستی علیه غیرنظامیان در خلال سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ در عراق، تقریباً دو برابر شده و در افغانستان نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. این گزارش با اشاره به این که در سال گذشته‌ی میلادی، سهم عراق و افغانستان از تروریسم جهانی ۲۹ درصد افزایش داشته است، می‌افزاید: با وجودی که تعداد زیادی از سربازان آمریکایی در عراق و افغانستان مستقر هستند آمار تهیه شده در این زمینه نشان می‌دهد که حملات تروریستی به رغم اعمال دکتربین‌های جدید امنیتی، در عراق ۹۱ درصد و در افغانستان ۵۳ درصد افزایش داشته است.

در واقع، به رغم آن که تروریسم به شدت آسایش مردم عراق را تحت الشعاع قرار داده و امکان یک زندگی عادی و راحت را از آنان گرفته است، بوش همچنان با امید به پیروزی نهایی در این جنگ، دکتربین‌های جدید خود را در این دو کشور به بونه‌ی آزمایش می‌گذارد.



در حال حاضر، گزارش‌ها از عراق حاکی از آن است که این کشور رو به نابودی است و در مسیری پیش می‌رود که هیچ بازگشتی ندارد. عراق که بر اساس تازه‌ترین آمارهای موجود، به دومین کشور بی‌ثبات جهان تبدیل شده است، به علت نگرانی از ارایه چنین چهره‌ای با توجه به تلاش‌های بین‌المللی، حتی آمار واقعی تلفات خود را نیز از همگان پنهان می‌کند. بسیاری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خارجی در گزارش‌های خود بر این نکته اذعان داشته‌اند که به واسطه بی‌مبالاتی‌های نظامیان آمریکایی و انگلیسی و وجود سلاح و مهمات در دست اکثر مردم، تقریباً دیگر هیچ شهری در عراق، منطقه‌ی امن به حساب نیامده و قانونی در شهرها حکمفرما نیست.

در واقع، اکنون سرنوشته عراق که با این جنگ حدود یک میلیون و نیم آواره بر جای گذاشته است، به رغم میلیاردها دلار کمک‌های خارجی و حضور بیش از ۱۵۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در این کشور، در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. عراق که به لحاظ میزان ذخایر اثبات شده‌ی نفتی، دومین کشور پس از عربستان سعودی به شمار می‌رفت، اکنون به ویرانه‌ای تبدیل شده که حتی قادر نیست انرژی مورد نیاز مردمش را نیز تأمین کند.

واشنگتن پست در ادامه‌ی گزارش خود می‌افزاید: همان سیاستمدارانی که تصور می‌کردند حمله به عراق همانند راه رفتن روی یک است، اکنون معتقدند پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی ترک عراق بسیار سنگین‌تر از تداوم حضور نظامی آمریکا در این کشور است.

به هر حال، قدر مسلم آن که ایجاد ثبات در عراق دستکم بیش از یک دهه به طول خواهد انجامید. مقامات کاخ سفید مرتباً هشدار می‌دهند به تعویق افتادن ایجاد امنیت در بغداد، باعث هرج و مرج بیشتر در این کشور و سپس منطقه خواهد شد. اکنون زمان آن رسیده تا آمریکا واقعیت‌ها را بپذیرد. شکست آمریکا در عراق باید درس عبرتی برای این کشور باشد تا بدانند هر دکتربین امنیتی در این کشور جواب نمی‌دهد.

در واقع، اگر بوش نتواند با دکتربین امنیتی جدید خود تا پایان تابستان، امنیت را به عراق بازگرداند و بحران‌های فزاینده را کاهش دهد، باید با صراحت اعلام کند که آمریکا در عراق شکست خورده است و آماده شود تا پست ریاست جمهوری را به حزب رقیب تحویل دهد، چرا که این بار بوش دیگر نمی‌تواند ناکامی‌های آمریکا را بر عهده‌ی افرادی همچون "گارنر"، "تنت"، "رامسفلد" و یا به حساب استراتژی‌های غلط پنتاگون و وزارت خارجه بگذارد، بلکه این بار این استراتژی شخص بوش است که شکست می‌خورد و خود وی باید تبعات این ناکامی را هرچه که باشد، بپذیرد.